

مجله مخاطرات محیط طبیعی، سال ششم، شماره سیزدهم، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۲/۰۳

صفحات: ۶۶ - ۴۹

## مطالعه گنبد آتشفشانی بهلول داغی و تأثیر آن بر مورفولوژی منطقه شمال تبریز

احمد رنجبری<sup>۱</sup>، عقیل مددی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

مخروط‌های آتشفشانی از اشکال تأثیرگذار سطح زمین هستند که ارتباط زیادی با ساختارهای پوسته مانند گسل‌ها، چین خوردگی‌ها و... دارند. گنبد آتشفشانی بهلول داغی در ۲۰ کیلومتری شمال تبریز و از نظر پهنا بندی ساختمانی، در پهنا ایران میانی و در زیرپهنا البرز-آذربایجان واقع است. محدوده گنبد مورد مطالعه، به دلیل عوارض تکتونیکی فعال و لرزه‌خیزی بالا، از نقاط بحرانی است و لازمه مقابله با مخاطرات آن، شناسایی اشکال سطحی زمین با هدف پی بردن به ماهیت، علل پیدایش و آثار ژئومورفولوژیک ناشی از آن است که می‌تواند زمینه را برای برنامه‌ریزی جهت زندگی بهتر انسان‌ها فراهم آورد. از آنجاکه بهلول داغی با ارتفاع ۲۲۲۷ متر در شمال کلان‌شهر تبریز، نقش برجسته‌ای را در مورفولوژی پرعارضه کنونی منطقه دارد، در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای، ماهیت و علل خروج این عارضه و تأثیر آن بر مورفولوژی منطقه شمال تبریز بررسی شود. در این راستا از ابزارهایی نظیر نقشه‌های توپوگرافی، زمین‌شناسی، عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای و نیز داده‌های آزمایشگاهی استفاده شده است. یافته‌های حاصل از مشاهدات عینی و تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که حرکات کششی و فشارشی تکتونیک فعال آذربایجان (که از آغاز همگرایی صفحات قاره‌ای عربی و اوراسیا در ۳۰ میلیون سال پیش ناشی می‌شود)، به‌ویژه در پلبو-کواترن منجر به گسیختگی‌های ژرف و گسلش شدید منطقه شده، شرایط خروج ماگما از نقاط ضعیف تکتونیکی را فراهم نموده است. گنبد بهلول داغی نیز از خطواره گسل‌های آلمان-داغ و شوردره که به موازات گسل شمال تبریز (NTF) کشیده شده‌اند، بیرون آمده است. این مخروط با کنار زدن لایه‌های رسوبی میوسن، توانسته علاوه بر تغییر الگوی زهکشی منطقه، به‌عنوان منبعی برای تولید رسوب نواحی پایین‌دست (مخروط واریزه، افتان‌ها و...) عمل کند. هم‌چنین خروج این توده، موجب نوسان لایه‌های رسوبی افقی و تمایل آن‌ها به‌طرف رأس گنبد شده و باعث گسیختگی و ایجاد سطوح ضعیف در برابر سیستم‌های فرسایشی و تشدید مورفودینامیک منطقه شده است.

واژگان کلیدی: گنبد آتشفشانی، بهلول داغی، مخاطرات طبیعی، آثار ژئومورفیکی، گسل شمال تبریز.

۱- دانشجوی دکتری ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

aghi148madadi@yahoo.com

۲- دانشیار ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل (نویسنده مسئول)

## مقدمه

در ساختمان پیکرشناسی آذربایجان، حرکات پایانی آلیپی به‌ویژه جنبش پاسادانین اثرات مهم و غیرقابل‌انکاری داشته است که از برجسته‌ترین آثار آن، می‌توان به گسل‌های دارای حرکات و جابجایی‌های قائم و امتدادی و نیز ماگماتیسم و تظاهرات آتشفشانی شدید به‌ویژه در دوره کواترنر اشاره نمود. این منطقه بخشی از نوار ماگماتی البرز-آذربایجان در پهنه برخوردی بین صفحه عربستان-اوراسیا قرار دارد (فریدآزاد، ۱۳۹۴). آذربایجان به ایالت آتشفشان‌ها و به علت غلبه سنگ‌های آتشفشانی آندزیتی به ایالت آندزیت‌ها مشهور است (خیام، ۱۳۷۴). به عقیده اشتوکلین (۱۹۷۴) شدیدترین فعالیت آتشفشانی در ایران در طی ائوسن تا عهد حاضر رخ داده است و فعالیت‌های ماگمایی، بعد از چین‌خوردگی لارامید در آذربایجان (اوایل ائوسن یعنی در اشکوب لوتسین<sup>۱</sup>) غالباً آتشفشانی است (قنبری، ۱۳۷۰). پس از برخورد دو صفحه عربستان و اوراسیا و رخداد سترشدگی پوسته‌ای و بالآمدگی، دور تازه‌ای از فعالیت‌های آتشفشانی در این منطقه رخ داده است که شاید سنی بین ۱۲ میلیون سال تا کواترنری (۲/۸ میلیون سال) را دارد (Keskin et al., 1998). در اثر حرکات کششی و گسیختگی‌های محلی در راستای گسل‌ها و شکستگی‌های عمیق، خروج گدازه و فعالیت‌های آتشفشانی به وقوع پیوسته است (عامل، ۱۳۷۴).

خیام و مختاری (۱۳۷۸) در پژوهشی مشابه به بررسی استوک گچی قلعه‌سی و اثر آن در مورفولوژی اطراف آن پرداخته است. رجبی و شیرازی طرزم (۱۳۸۸) آثار ژئومورفولوژیک گسل تبریز و گسل‌های مرتبط با آن را در پهنه شمال باختری کشور بررسی نموده و به نقش آن در ظهور ماگماتیسم، از جمله پیدایش مخروط ساب‌ولکانیسم بهلول تأکید نموده‌اند. در پژوهشی دیگر، زارع (۱۳۸۰) ضمن تأکید بر نقش گسل تبریز در تکامل ساختاری آذربایجان، معتقد است این گسل با وقوع حداقل ۱۶ زمین‌لرزه تاریخی، به‌عنوان گسل زمین‌لرزه‌ای و فعال تلقی می‌شود. کرمی و بیاتی خطیبی (۱۳۹۳) نیز گسلش فعال حوضه‌های زهکشی ورکش‌چای، نهندچای و گماناب چای (محل استقرار بهلول‌داغی) در شمال تبریز را ارزیابی نموده‌اند که بیانگر فعالیت تکتونیکی زیاد منطقه بوده است و بدین طریق خطر گسترش شهر را یادآوری نموده‌اند. حسینی و همکاران (۱۳۷۵) با مطالعه کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی توده بهلول‌داغی به حدواسط بودن ماگمای آن و غلبه سنگ‌های آندزیت و تراکی آندزیت تأکید نموده‌اند و سفیدگر و همکاران (۱۳۸۷) نیز پس از بررسی کانی‌شناسی و ژئوشیمی، آن را در محدوده آداکایت‌ها<sup>۲</sup> قرار داده‌اند.

بدیهی است در تحلیل مخاطرات محیطی منطقه علاوه بر در نظر گرفتن واقعیت‌های زمین‌شناسی باید از نتایج بررسی ژئومورفولوژیکی نیز بهره برد. در این ناحیه واحدهای مختلف آتشفشانی، متأثر از تکاپوی شدید آتشفشانی سنوزوئیک (آقاناتی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰) با مرز گسل‌هایی بر روی رسوبات کرتاسه در شمال و با یک مرز گسل‌های متعدد در باختر و جنوب، بر روی تشکیلات قرمز فوقانی میوسن قرار دارند. بیشتر این سنگ‌ها به دلیل مقاومت زیاد در مقابل فرسایش نسبت به سنگ‌های رسوبی مجاور خود، مورفولوژی برجسته و خاصی را نشان می‌دهند. بهلول‌داغی با

<sup>۱</sup>-Lutetian<sup>۲</sup>-Adacites<sup>۳</sup>-Aghanabati

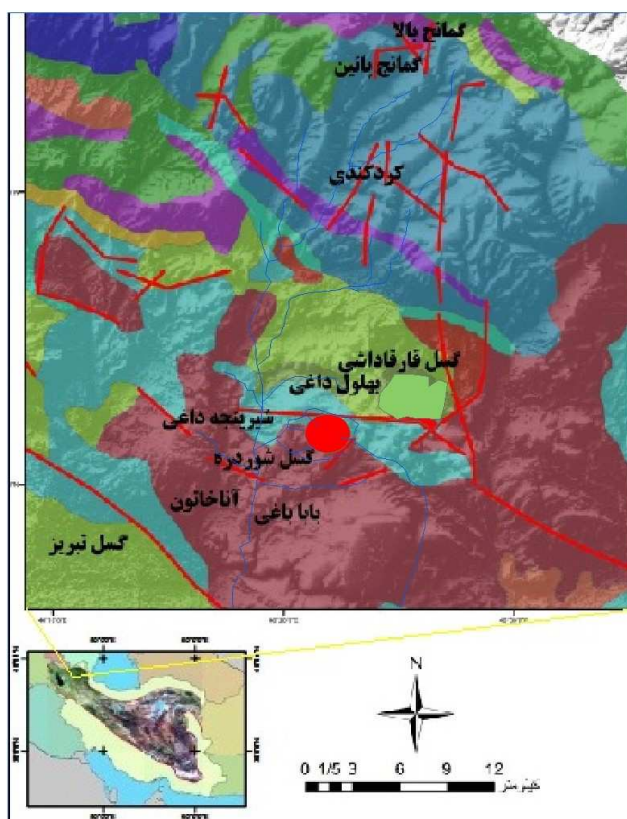
مورفولوژی تیبیک، برجسته و گنبدی شکل در بین سازندهای رسوبی شمال تبریز جایگاه خاصی در ژئومورفولوژیک منطقه دارد و به خاطر ایجاد مورفودینامیک فعال، انگیزه کافی برای مطالعه را به وجود آورده است. چراکه گنبدها و برون زدهای آتشفشانی که باعث ایجاد مورفولوژی خاص در منطقه می‌شوند، علاوه بر اینکه از نظرگاه توپوگرافی، هیدرولوژی و به‌ویژه چشم‌انداز می‌توانند مورد مطالعه و بازدیدهای علمی-تفریحی قرار گیرد حتی در صورت خاموش بودن، منشاء مخاطرات طبیعی نیز هستند. لذا در بررسی حاضر، برای اولین بار به ماهیت و علل پیدایش و نیز ساختار مورفولوژیکی این توده و عملکرد آن بر ویژگی‌های توپوگرافی، هیدرولوژی و سایر فرایندهای مورفوژنز ناشی از آن با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته می‌شود.

### داده‌ها و روش‌ها

مشاهدات و مطالعات میدانی و استفاده از عکس‌های هوایی و تصاویر ماهواره‌ای جهت تفسیر بصری عوارض، مهم‌ترین ابزار مطالعاتی در این پژوهش بوده‌اند. همچنین از منابع کتابخانه‌ای و نقشه‌های توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ برای تعیین موقعیت، استخراج نیم‌رخ و تحلیل‌های ژئومورفولوژی و نیز از نقشه‌های زمین‌شناسی ۱:۱۰۰۰۰۰۰ تبریز جهت مطالعه زمین‌شناسی، تحلیل‌های زمین‌ساختی و تکمیل اطلاعات منطقه استفاده شده است.

### موقعیت جغرافیایی توده بهلول داغی

کوه بهلول داغی (Buhlul Daghi) با ارتفاع ۲۲۲۷ متر در محدوده شهرستان تبریز، بخش مرکزی، دهستان اسپران و در ۲۰ کیلومتری شمال کلان‌شهر تبریز، در نیمه جنوبی حوضه گماناب چای با وسعتی حدود ۳ کیلومترمربع قرار دارد. این توده با مختصات جغرافیایی ۳۸ درجه و ۱۳ دقیقه و ۲۱ ثانیه شمالی و ۴۶ درجه و ۱۹ دقیقه و ۵۵ ثانیه خاوری، به شکل گنبدی از فاصله‌های دور به چشم می‌خورد (شکل ۱).



شکل ۱: نقشه مورفوتکتونیک منطقه مورد مطالعه و توده بهلول داغی و موقعیت آن در شمال تبریز و شمال باختر ایران

### یافته‌های تحقیق

پس از مشخص شدن منطقه مطالعاتی نسبت به جمع‌آوری نقشه‌ها و مقالات مرتبط با منطقه و موضوع مورد پژوهش و سپس به مطالعه و بررسی آنها اقدام شد. بدین منظور به استخراج و تطبیق ویژگی‌های کانی‌شناسی، سنگ‌شناسی، توپوگرافی، ساختمانی و ژئومورفولوژیک از منابع مختلف در کنار مشاهدات صحرایی و جمع‌بندی و تحلیل آنها در ادامه پرداخته شده است:

#### ویژگی‌های کانی‌شناسی و سنگ‌شناسی

سنگ‌های تشکیل‌دهنده کوه بهلول داغی عبارتند از: آندزیت، تراکی‌آندزیت، فلدسپات‌داسیت، داسیت، تراکی‌داسیت، تراکیت و... به دلیل غالب بودن سنگ آندزیت، فقط به ویژگی این سنگ اشاره می‌گردد:

الف: مطالعه ماکروسکپی سنگ آندزیت: سنگی متراکم با زمینه به رنگ سفید روشن است. کانی‌های مافیک در زمینه مشخص می‌باشد. چون بعضی از آنها دارای سطوح تورق مشخصی هستند، پس به بیوتیت نزدیک‌ترند و چون بعضی سوزنی و میخی‌شکل هستند، می‌توانند هورنبلند باشند. شکستگی‌های موئی در سنگ مشاهده می‌شود و در سطح

فرسایش یافته، بدون در نظر گرفتن اندازه دانه‌ها مانند سنگ‌های گرانیتی، نزدیک به اسیدی مطلق مشاهده می‌شود (حسینی، ۱۳۷۵).

ب: مطالعه در مقطع نازک سنگ آندزیت:

- ساخت توده‌ای<sup>۱</sup>

- بافت هولوکریستالین<sup>۲</sup> تا پورفیری

- کانی‌های قابل تشخیص: بلورهای درشت: فلدسپات، بیوتیت، اوژیت، هورنبلند

- خمیره: فلدسپات، کوارتز، آپاتیت، اوپک، پیروکسن

- کانی ثانویه: کلسیت.

به دلیل گستردگی طیف کانی‌ها، این توده نفوذی نمی‌تواند در گروه سنگ‌های آذرین بیرونی مطلق و درونی مطلق قرار گیرد و از نوع هیپابی‌سال می‌باشد. سفیدگر و همکاران (۱۳۸۷) نیز در مطالعه کانی‌شناسی و ژئوشیمی توده آتشفشانی بهلول داغی (شمال تبریز) به این نتایج رسیده‌اند که توده آتشفشانی بهلول داغی در شمال تبریز، واقع در قسمت شمالی گسل تبریز در رسوبات سازند قرمز فوقانی نفوذ نموده است و دارای کنتاکت شارپ و عادی با رسوبات مجاور می‌باشد. طبق مطالعات ایشان و با توجه به نوع بافت سنگ‌های اصلی این توده، می‌توان آن را در محدوده آداکیت‌ها قرار داد.

گدازه‌های ترشیری در جزیره آداک<sup>۳</sup> در قوس آلئوشین که توسط کای<sup>۴</sup> در سال ۱۹۷۸ به‌عنوان محصولات ذوب صفحه فرورونده تعریف شده و ویژگی‌های داسیت‌های با پتاسیم متوسط را نشان می‌داد، توسط دفات و دراموند<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) (آداکیت) نامیده شد. آداکیت‌ها سنگ‌های پلوتونیک یا آتشفشانی اسیدی- حدواسطی می‌باشند که ویژگی‌های شیمیایی مشخصی مانند؛ مقادیر بالای Sr (استرانسیوم)، مقادیر پایین Y (ایتريوم)، الگوهای عناصر نادر خاکی تفریق یافته شیب‌دار (ارزش‌های بالای LA/YB (لانتان به ایتريوم) و بدون بی‌هنجاری‌های منفی Eu (یوروپیم) را آشکار می‌سازند (پیرمحمدی‌علیشاه، ۱۳۹۰). بنابراین، همبستگی (تطابق) منفی بین Ba-SiO<sub>2</sub>، Al<sub>2</sub>O<sub>3</sub>، Nb-SiO<sub>2</sub>، SiO<sub>2</sub> نشانگر تبلور کانی‌های پلاژیوکلاز، بیوتیت و آمفیبول می‌باشد. تفریق‌یافتگی شدید REE (عناصر نادر خاکی)، وجود فنوکریست‌های پلاژیوکلاز، هورنبلند و بیوتیت در نمونه‌ها از شواهد ژنریک ماگمای آداکیتی در محدوده هم‌زمان و پس از برخورد می‌باشد (Bourdon et al., 2008) و (Kolb M. et al., 2013). شباهت‌های زیاد کانی‌شناسی و ژئوشیمیایی آن با نتایج بررسی آداکیت‌های شمال مرنند (احمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹) و (قربانی، ۱۳۸۴) شواهد محکمی بر این ادعاست.

<sup>1</sup>-Massive

<sup>2</sup>-Holo Crystalline

<sup>3</sup>-Adak

<sup>4</sup>-Kay

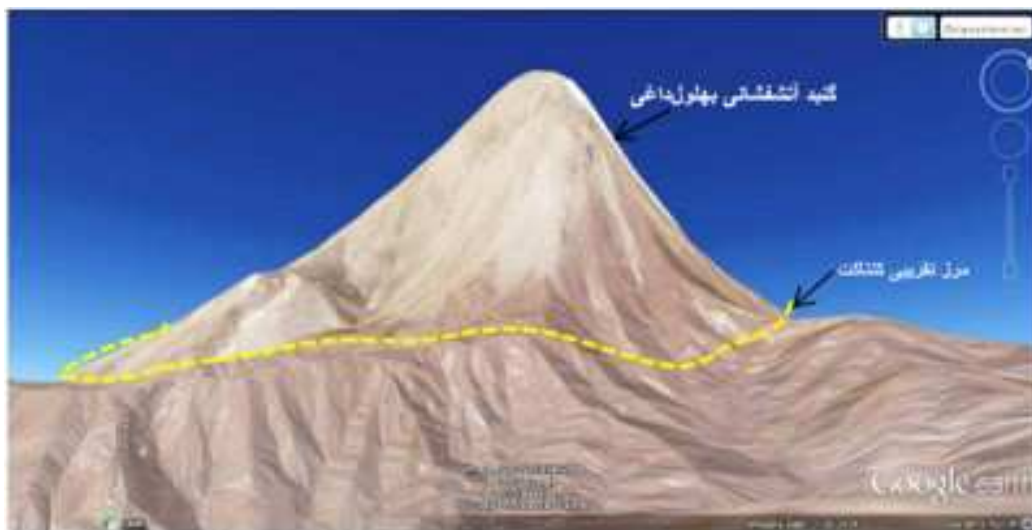
<sup>5</sup>- Defant & Drummond

## ویژگی‌های توپوگرافی، ساختمانی و ژئومورفولوژیک

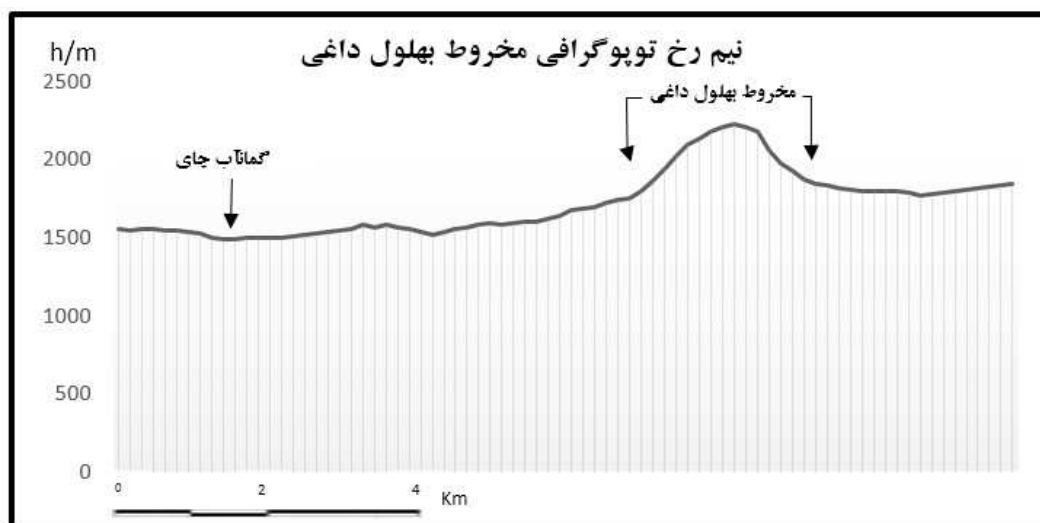
از نظر توپوگرافی، بهلول‌داغی با وضعیت توپوگرافی متفاوت با بقیه قسمت‌های این حوضه با شکلی گنبدی بر قسمت‌های وسیع حوضه اشراف دارد (شکل ۲). دامنه‌های آن در قسمت‌های خاوری و جنوبی بیش از ۶۰ درصد و در قسمت‌های شمالی و باختری بیش از ۴۰ درصد شیب دارند (شکل ۳). شیب دامنه‌های این قله به نسبت متعادل است، به طوری که شیب دامنه‌های خاوری و جنوبی آن تقریباً از نوع منظم و مستقیم تشخیص داده شد. اما دامنه‌های شمالی و باختری آن با تحدب رأس و سپس شیب مستقیم و تقعر زیرین بیانگر شیب ترکیبی از نوع کوژ-مستقیم-کاو می‌باشد (شکل ۴). (البته استخراج و بهره‌برداری از سنگ‌های دامنه باختری جهت مصالح ساختمانی به شناسه ۱۳۰۰۰۹۶ (www.ime.org.ir، ۱۰/۶/۱۳۹۵)، منجر به تخریب و ناپایداری دامنه‌ها و مسائل محیطی نیز شده و با توجه به بهره‌دهی اندک و آثار سوء آن، تداوم این روند قابل تأمل و نگران کننده است).



شکل ۲: نمایی از گنبد آتشفشانی بهلول‌داغی (نگاه از روستای صخره‌ای و زلزله‌زده داش‌اسپیران) که با مورفولوژی خاصی بر پیرامون خود اشراف دارد



شکل ۳: تصویر هوایی افقی از یال خاوری گنبد بهلول‌داغی (برگرفته شده از Google earth)



شکل ۴: نمودار نیمرخ توپوگرافی توده بهلول‌داغی و اختلاف ارتفاع آن با نواحی پیرامون

در دامنه شمالی بهلول‌داغی یک بریدگی شیب به شکل روپلا<sup>۱</sup> یا تراس شیب‌دار نیز به چشم می‌خورد که می‌تواند ناشی از برون‌زدهای سخت سنگ‌های آذرین باشد. شبکه آبراهه‌ها نیز با تأثر از گنبد بهلول‌داغی از الگوی زه‌کشی شعاعی کاملاً مشخص تبعیت می‌کند. از گنبد بهلول‌داغی به طرف پیرامون آن سطوح بسیار متعارض و بریده بریده به ویژه در قسمت‌های خاوری و جنوبی آن به‌وضوح دیده می‌شود. اختلاف ارتفاع برجستگی‌ها و دره‌ها بسیار کم بوده و

<sup>۱</sup>-Replat

به غیر از باغلی داغ با ارتفاع ۲۰۱۶ متر و اوج قارداش داغی با ارتفاع ۱۹۴۸ متر که در خاور این واحد و در خط تقسیم آب این حوضه با حوضه آبریز انیزه چای قرار دارند اختلاف ارتفاع بقیه برجستگی‌ها کم‌تر از ۲۰۰ متر می‌باشد. پس بر اساس مشاهدات میدانی و بررسی کارهای آزمایشگاهی انجام شده توسط حسینی (۱۳۷۵) و سفیدگر و همکاران (۱۳۸۷)، درباره ماهیت ژنتیک این توده و انطباق آنها با نتایج تفسیرهای بصری، علل و زمان خروج و آثار مورفولوژی آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

گنبد بهلول داغی منطقه‌ای بالا آمده است که جنس رسوبات اطراف آن، با توجه به نقشه زمین‌شناسی و مشاهدات مستقیم، مارن، شیل، ماسه سنگ و رس تشخیص داده شد. در این رسوبات ژئوپس از نوع نواری و نمک که نشان‌دهنده یک محیط کولابی و کم‌ژرفا می‌باشد، ملاحظه می‌گردد و جزء سازندهای متناسب دوران سوم به‌شمار می‌روند.

### بحث و نتایج

درباره علل خروج این توده باید گفت که مانند اکثر توده‌های آذرین، علل تکتونیکی موجب خروج این توده به سطح زمین شده است و همان طوری که در نقشه‌ی بالا ملاحظه می‌شود این توده از بین گسل‌های قارقاداشی، بهلول داغی و شوردره بالا آمده است (شکل ۱ و ۱۰). سن این توده با توجه به قطع رسوبات نئوژن، اثرگذاری بر نحوه استقرار لایه‌های رسوبی و همزمانی با سایر فعالیت‌های آتشفشانی در آذربایجان و نیز با استناد به گزارش نقشه زمین‌شناسی تبریز (۱۳۷۲) به پلیو-کواترنر نسبت داده می‌شود. مقاوم بودن این توده و جوان بودن آن نسبت به رسوبات پیرامونی نیز منجر به اختلاف لیتولوژیک و پیدایش مورفولوژی خاصی در قسمت میانی حوضه شده است به طوری که این گنبد با ناهمواری‌های پیرامون خود بیش از ۶۰۰ متر اختلاف ارتفاع ایجاد نموده است. بنابراین تفاوت در توپوگرافی موجب پیدایش سیستم زهکشی شعاعی (شکل ۱) و اشکال دامنه‌ای همچون مخروط‌های واریزه، افتان‌ها و... در پیرامون گنبد بهلول داغی به شعاع دو کیلومتر از نقطه قله شده است.

لایه‌های رسوبی پیرامون بهلول داغی از حال افقی کاملاً خارج شده است و دارای شکستگی‌هایی با سطوح موازی و عمود برهم می‌باشند (شکل ۵). خروج لایه‌های رسوبی از حالت افقی و باسکوله شدن آنها می‌تواند ناشی از خروج مواد آتشفشانی بهلول داغی با گرانروی نسبتاً بالا و فعالیت گسل‌های منطقه باشد. راستای سطوح لایه‌های نوسان یافته در اطراف این گنبد با حالت هم‌گرایی به طرف بهلول داغی (شکل ۶) نشانگر تأثیر انکارناپذیر این توده آتشفشانی (حداقل در پیرامون خود) بر نوسان لایه‌ها می‌باشد.





شکل ۵: خروج لایه‌های رسوبی پیرامون بهلول داغی از حالت افقی و تمایل به طرف قله

فعالیت‌های زمین‌ساختی علاوه بر نوسان لایه‌ها منجر به ایجاد درزها و شکست‌هایی در سنگ‌ها شده است که این شکست‌ها در ماسه سنگ‌ها به طور عمده دارای زوایای عمودی می‌باشد و عوامل هوازدگی از طریق همین درزها توانسته‌اند با نفوذ در نقاط ضعیف، آنها را به قطعات مکعبی و کروی شکل تخریب کنند. در دامنه بهلول داغی به ویژه جنوب باختری آن، قطعه سنگ‌های آتشفشانی تحت تأثیر هوازدگی به صورت قطعات زاویه‌دار تخریب شده و به شکل مخروط واریزه در آمده است (شکل ۷).



شکل ۶: تناوب لایه‌های سخت و نرم و پیدایش سطوح سخت سنگی و تمایل آن‌ها به طرف قله بهلول داغی (نگاه به شمال)



شکل ۷: مخروط واریزه منظم حاصل از تخریب برون زدهای سنگی دامنه جنوب باختری بهلول داغی به صورت قطعات کاملاً زاویه دار

همچنین در دامنه باختری و در ارتفاع ۱۷۰۰ متری، سنگ‌های هوازده برونزد دارند که دارای حفره‌هایی با گلسنگ‌های فراوان هستند. سنگ‌های برونزده به طور عمده آگلوмера یا جوش سنگ آتشفشانی می‌باشند و حفره‌های موجود در آنها حاصل فرسایش فلدسپات‌های موجود در سنگ می‌باشد، زیرا آب دارای دی‌اکسید کربنیک بر فلدسپات‌ها مؤثر است و آنها را به مرور زمان به کانی‌های مختلف تبدیل می‌کند و اشکال شبیه تافونی یا لانه‌زنبوری و لانه‌کبوتری در آنها ایجاد می‌نماید. ارتفاع ۱۸۷۰ متری، منطقه کنتاکت توده بهلول با سنگ‌های پیرامون است؛ زیرا با وجود این که در این محل سنگ دگرگونی در رسوبات پوششی دیده نمی‌شد ولی از نظر مورفولوژیکی، کاملاً متفاوت است به طوری که شیب توده نفوذی نسبت به لایه‌های رسوبی مجاور خیلی بیشتر است. همچنین از ارتفاع یادشده به سمت قله، برونزدگی رسوبی مشخصی مشاهده نمی‌شود. در ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متری، مورفولوژی خشن همراه با شکستگی‌های اصلی با مشخصات تکتونیکی ۸۰/۶۰/ SSE دیده می‌شود. به طرف قله کوه، بافت سنگ‌ها ریزتر می‌شود که نشانگر خروج مواد، در مراحل زمانی مختلف و با خواص سنگ شناسی متفاوت است. ساخت این توده به دلیل؛ گنبدی بودن، داشتن ابعاد کمتر از باتولیت (حدود ۳ کیلومتر مربع) و باسکوله کرن لایه‌های رسوبی پیرامون خود، لاکولیت است.

#### عوامل مؤثر در ساخت گنبد بهلول داغی و مورفولوژی منطقه

بررسی مقطع زمین‌شناسی پیرامون بهلول داغی نشان می‌دهد؛ تاثیرات آخرین فاز کوهزایی (پاسادانین) در این منطقه به صورت چین خوردگی‌ها و شکستگی‌های متعددی آشکار شده و نیروهای حاصل از این فاز کوهزایی محور شمال آغاج‌اوغلی - اولی‌کندی و محور دوزلی‌داغ - شوردره را به صورت فرازمین (هورست) و دشت اسپران را به صورت فروزمین (گرابن) درآورده است (شکل ۱۰). سنگ‌های نفوذی از نوع گرانیت و گرانودیوریت به صورت محلی در شمال اسپران، رسوب‌های میوسن را بریده اما مورفولوژی برجسته‌ای ایجاد نموده است در مقابل، فعالیت‌های آتشفشانی به

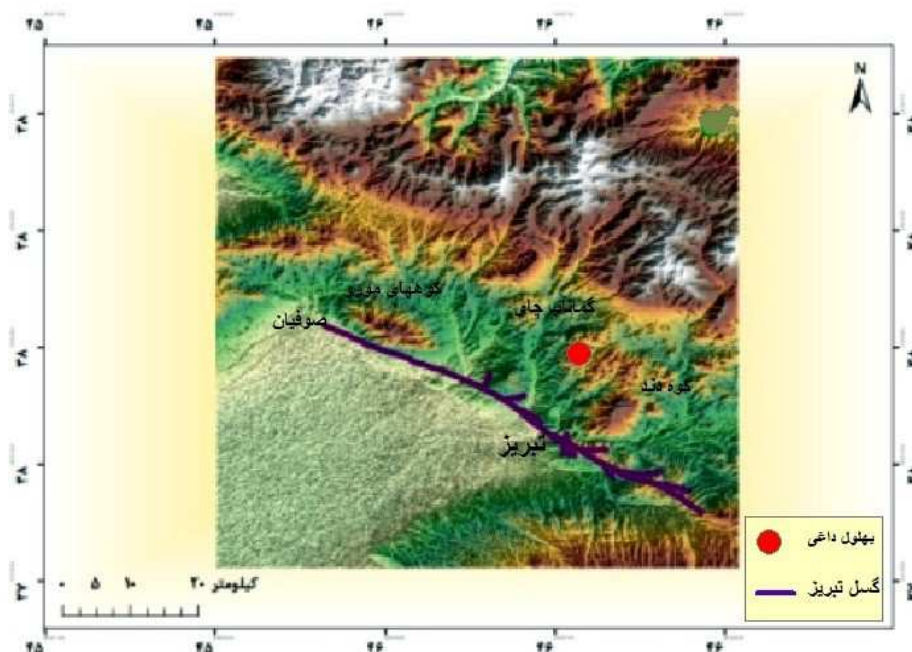
شکل سنگ‌های آتشفشانی خروجی گنبدی شکل با ترکیب تراکی آندزیت باعث پیدایش قله گنبدی شکل بهلول داغی گردیده که واحدهای میوسن را گسسته و احتمالاً در پلیوسن بالایی یا اوایل کواترنر شکل گرفته است.

ظهور گنبد آتشفشانی بهلول داغی، باعث تغییر مورفولوژی قسمت‌های میانی حوضه شده به طوری که فرم دره‌ها، الگوی زهکشی و شکل جریانات سطحی تغییر یافته است. همچنین به دلیل مقاومت بالا در برابر فرسایش و تفاوت در نوع فرسایش، مورفولوژی متفاوت از سازندهای پیرامون خود به وجود آورده است. همان‌طور که اشاره شد نیروهای زمین‌ساختی در فرایند شکل‌گیری ناهمواری‌های آذربایجان به‌ویژه منطقه مورد مطالعه نقش مؤثری ایفا نموده و عملکرد این نیروها به شکل گسل‌های متعدد و فعال نمود پیدا کرده است که در اینجا به بررسی گسل‌های مؤثر و نقش ژئومورفولوژیک آنها در شکل‌گیری یا تغییر شکل توده بهلول داغی و ناهمواری‌های پیرامون آن می‌پردازیم:

الف- گسل شمال تبریز و نقش ژئومورفولوژیک آن: این گسل با فاصله تقریبی ۲۰ کیلومتر از جنوب توده بهلول داغی، با روند باختر شمال باختر- خاور جنوب‌خاور عبور می‌کند (شکل ۸). این گسل را نه تنها از دیدگاه جنبش‌های عهد حاضر می‌توان پویاترین عنصر ساختاری در زمین‌شناسی آذربایجان دانست (کرمی و خطیبی، ۱۳۹۳). بلکه یکی از گسل‌های اصلی، مشهور، فعال و لرزه‌زای ایران نیز محسوب می‌شود؛ بنابراین یک عنصر ساختاری موثر و قدیمی می‌باشد. این گسل ترکیبی به صورت راست‌الغز راست‌گرد می‌باشد زیرا عوارضی مثل رودخانه و دره‌ها را در جهت افقی منحرف و جابجا کرده است. این خط گسل، ضمن تشکیل دیواره عمده بخش شمالی جلگه تبریز به صورت هورست- گرین موجب افتادگی چاله ارومیه- تبریز و بالا آمدگی عینالی و توده مورو گردیده است درویش‌زاده (۱۳۸۸) به نقل از بربریان (۱۹۷۶) حتی فعالیت‌های شدید آتشفشانی آرات را نیز به احتمال ناشی از عملکرد این گسل دانسته است. این گسل احتمالاً تحت تأثیر فرونشینی مجموعه سه‌هند و کاهش و مکش‌های هاله آن در حدود دویست‌هزار سال پیش اتفاق افتاده است (جلالی، ۱۳۷۸).

برخی از زمین‌شناسان، فرایندهای زمین‌ساختی اوایل دونین را در ایجاد این گسل مؤثر می‌دانند (افتخارنژاد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). به نظر نبوی (۱۳۵۵) این گسل مربوط به ساخت کالدونی و به نظر خیام یادگار میوسن است ولی به طور میانگین آخرین فعالیت آن حدود ۲۷۰ هزار سال قبل رخ داده است، زیرا کلیه لایه‌های کواترنری به صورت یک‌دست دچار باسکولمان شده‌اند. به نظر می‌رسد در پیدایش توده بهلول داغی، فعالیت سیستم گسلی تبریز در کنار سایر گسل‌ها و به لحاظ سابقه لرزه‌خیزی، عظمت حرکات و نزدیکی به آن، نقش غیرقابل‌انکاری داشته است (شکل ۸).

<sup>۱</sup>- Eftekharnzad



شکل ۸: تصویر برجسته از محدوده خطر گسل تبریز و گنبد بهلول داغی در شمال آن

ب- گسل بهلول داغی - آلمان داغ: گسلی اصلی با جهات مختلف که دیواره جنوبی هورست دوزلی داغ را تشکیل می‌دهد و مرز کاملاً مشخص از نظر لیتولوژی ایجاد کرده است به طوری که مارن‌های گچ‌دار و نمک‌دار میوسن تحتانی را در مقابل ماسه‌سنگ‌های میوسن فوقانی قرار داده است. این گسل احتمالاً در نفوذ یا تسریع نفوذ توده بهلول داغی که تقریباً به طور مماس از شمال آن عبور می‌کند، موثرتر بوده است (شکل ۱ و ۱۰). روند راستای این گسل به طرف باختر پس از تمایل شمالی- جنوبی، منطبق بر دیواره باختری بستر گماناب چای، اختلاف ارتفاع بستر عریض رودخانه با آلمان داغ در باختر آن را به وجود آورده است؛ به طوری که این گسل باعث انطباق آبراهه اصلی با گسل و عدم انطباق آن با لیتولوژی نامقاوم (مارن) که با فاصله اندک به موازات آن گسترش دارد، شده است. سپس با یک انحنای نیم‌دایره‌ای بر قسمت‌های پایین دست بستر رودخانه چهارشنبه چای منطبق شده است.

پ- گسل آغاچ‌اغلو: این گسل با روند شمال باختری- جنوب‌خاوری در شمال دشت اسپران امتداد دارد. نگاه گسل به طرف جنوب (دشت اسپران) است و آن را به صورت گرابن در آورده است. از روی نقشه‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی و نیز مشاهده روی زمین کاملاً مشخص است که به موازات خط گسل، اما با فاصله حدود دویست متری راستای شیب دامنه‌ها شکسته شده و ناگهان از شیب تند به شیب ملایم تغییر یافته است. بنابراین در تفسیر این گسل باید اشاره نمود که پرتگاه گسل، کم و بیش در پشت صفحه گسل واقع شده و خط‌السییر آن هرچند در مجموع با صفحه گسل موازی است، اما به طور محلی دارای انحنای می‌باشد که نشان می‌دهد فرسایش باعث پسروی بخش فرارو و نیز تراکم و انباشت مداوم مواد در بخش فرورو شده است. در نتیجه، اسکارپمان گسل، تندی و تیزی خود را از

دست داده و با فاصله‌ای کم از خط گسل و به صورت نشانه‌ای از گسل اولیه ظاهر شده است و خط گسل نیز به وسیله آبرفت‌های کوتاه‌تر پوشانده شده است و تشخیص محل دقیق آن در روی زمین تقریباً مشکل است.

ت- گسل شوردره: این گسل در راستای شمال باختری - جنوب‌خاوری در لایه‌های میوسن استقرار یافته و در مسیر خود لایه‌های ماسه‌سنگ کنگلومرایی میوسن بالایی را به شدت باسکوله کرده و لایه‌ها را شکسته است؛ به طوری که شیب لایه‌ها تا ۸۰ درجه نیز دیده می‌شود (شکل ۹). این گسل در قسمت خاوری خود با ایجاد بالآمدگی گسلی، عمود بر مسیر گورگچرچای باعث انسداد موقتی آن و تشکیل آبرفت‌های دوره کوتاه‌تر شده است که نشان از جدید بودن فعالیت آن می‌دهد. هم‌چنین ترک برداشتن آسفالت جاده در تقاطع آن با گسل (کنار پل شوردره) شاهد و دلیل دیگری بر فعال و خطرساز بودن گسل شوردره است. در طول گسل شوردره، زنجیره کم و بیش پیوسته‌ای از دیواره‌های صخره‌ای قائم و انحنای آبراهه (حتی شاخه اصلی) به چشم می‌خورد که می‌توان از اشکال خاص ژئومورفولوژیک و از پیامدهای این گسل دانست (رنجبری، ۱۳۸۲).



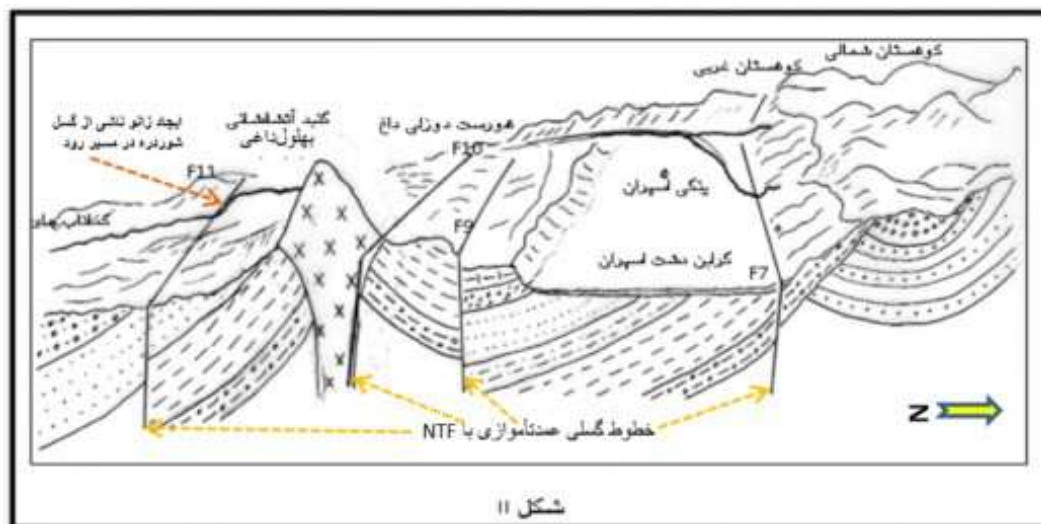
شکل ۹: باسکوله شدن لایه‌ها، تشدید فرسایش دیفرانسیل و وقوع گسیختگی‌ها و ریزش‌های ناشی از عملکرد گسل‌ها و خروج بهلول داغی در باختر این توده که همگی تهدید بالقوه برای بزرگراه درحال احداث تبریز-ارمنستان هستند.

### بررسی آثار ژئومورفولوژیکی گسل‌های پیرامون بهلول داغی

بررسی مقدماتی گسل‌های حوضه به خوبی نشان می‌دهد که منطقه شامل توزیع نسبتاً متراکمی از گسل‌های مؤثر و فعال می‌باشد. این گسل‌ها تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر شکل ناهمواری‌ها گذاشته، موجب پیدایش تغییرات عمده‌ای به شرح ذیل در بخش میانی حوضه گماناب‌چای به ویژه اطراف کوه بهلول داغی شده است:

الف- انطباق گدازه‌های آتشفشانی بهلول داغی با خطوط گسل، نقش گسل‌ها را در خروج مواد آتشفشانی اثبات می‌کند.

ب- فرازمین (هورست) دوزلی داغ و فروزمین (گراین) اسپران که بارزترین رخساره ژئومورفولوژی منطقه هستند؛ تحت تأثیر گسل‌های آغاج‌اغلو، قارقاداشی و بهلول‌داغی به‌وجود آمده‌اند. در طی این فرآیند قسمت فرازمین، به‌دلیل ایجاد ارتفاع و تقویت جریان انرژی‌های فرساینده به‌ویژه فرسایش دیفرانسیل، به‌عنوان یک عامل مهم مورفوژنز، سیستم فرسایشی منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. قسمت فرورفته نیز به‌صورت یک حوضه فرورفته محل مناسبی برای انباشته‌شدن نهشته‌ها فراهم ساخته است. از نتایج مورفوتکتونیک فعالیت گسل‌های اصلی منطقه، ایجاد گراین بسته و چاله تکتونیک دشت اسپران و هورست‌های شمال و جنوب این دشت می‌باشد (شکل ۱۰). روند حرکات عمودی طرفین گسل‌های آغاج‌اغلو و قارقاداشی به‌صورتی بوده است که صفحه میانی این گسل‌ها یعنی دشت اسپران یا فروافتاده و یا هنگام آپلیفت‌شدن منطقه، این بلوک، نسبت به بلوک‌های شمال و جنوبش بالاآمدگی کمتری داشته است و بیانگر وجود هورست و گراین می‌باشد. با مراجعه به نقشه زمین‌شناسی حوضه و ترسیم مقاطع زمین‌شناسی متوجه می‌شویم که طرفین این خطوط گسل دارای جابجایی قائم بوده است و سازندهای قدیم در ردیف سازندهای جدیدتر قرار گرفته است؛ مثلاً هورست دوزلی‌داغ (مصری، ۱۳۷۸) از شمال و جنوب توسط گسل‌های شمال بهلول‌داغی (شماره‌های ۹ و ۱۰) محدود می‌گردد و این گسل‌ها باعث شده سازندهای مارن و گچی میوسن میانی از میان ماسه‌سنگ‌های میوسن فوقانی و مارن وتوف پلیوسن سر برآورده و در بعضی نقاط از ردیف آنها بلندتر شود (شکل ۱۰).



شکل ۱۰: بلوک‌دیگرام دشت اسپران، هورست دوزلی‌داغ و گنبد آتشفشانی بهلول‌داغی (نگاه به باختر) و نقش گسل‌ها در مورفولوژی اشکال مذکور (رنجبری، ۱۳۸۲)

پ- وضعیت لیتولوژی منطقه متنوع می‌باشد که علت این تنوع را باید ناشی از عملکرد گسل‌های مهم منطقه دانست. در اثر فعالیت گسل‌ها سنگ‌های آذرین و رسوبی مختلف در ردیف‌های هم قرار گرفته‌اند.

ت- گسل‌ها به صورت مستقیم باعث ایجاد پرتگاه‌های گسلی (اسکارپمان<sup>۱</sup> گسل) و به صورت غیرمستقیم باعث پیدایش اسکارپمان نشانه گسل، به صورت دیواره‌های صخره‌ای کاملاً عمودی و تند شده‌اند.

ث- افزون بر آثار کلان گسل‌ها، اثرات محدود اما مؤثر دیگری بر لایه‌های رسوبی قابل مشاهده است که بارزترین آنها پیدایش سامانه درزه‌های نوزمین‌ساختی است که با نوع درزه‌های هم‌یوغ مطابقت دارد (شکل ۱۱) و تنش‌های بالقوه (از جمله زمین‌لرزه‌ها) موجب گسیختگی کامل، رهایی و سقوط آنها و تبدیل به مخاطرات ژئومورفیکی می‌شود.



شکل ۱۱: سامانه درزه‌های نوزمین‌ساختی از نوع هم‌یوغ به عنوان خطر بالقوه ژئومورفیکی در دامنه‌های بهلول داغی

### نتیجه‌گیری

گنبد آتشفشانی بهلول داغی به لحاظ ماهیت و مورفولوژی یک گنبد لاوایی است که در اثر بیرون آمدگی لاوهای آندزیتی و ریولیتی با ویسکوزیته زیاد و گاز کم ایجاد شده است. ویسکوزیته زیاد باعث شده که لاوا در اطراف مجرا انباشته شود.

از طرفی با توجه به ابعاد هندسی، نیمرخ برش زمین‌شناسی و شکل ساختمانی می‌تواند یک لاکولیت فرض شود و از دلایل آن می‌توان به: شکل گنبدی آن، داشتن ابعاد کمتر از باتولیت (حدود ۳ کیلومتر مربع) و نیز به دلیل باسکوله کردن لایه‌های رسوبی پیرامون خود اشاره نمود.

آثار و شواهد موجود مانند وجود پرتگاه‌های گسلی، خطوط مستقیم توپوگرافی، هورست‌ها و گرابن‌ها، نشانگر نقش مؤثر گسل‌ها و شکستگی‌ها در شکل‌گیری ناهمواری‌های منطقه به‌ویژه بهلول داغی می‌باشد.

<sup>۱</sup>-Escarpment

خروج توده بهلول داغی و نیز ایجاد گرابن بسته و چاله تکتونیکی دشت اسپران و هورست‌های شمال و جنوب این دشت از نتایج مورفوتکتونیکی فعالیت گسل‌های اصلی منطقه می‌باشد زیرا روند حرکات عمودی طرفین گسل‌های آغاج‌اوغلو و قارقاداشی به صورتی بوده‌است که صفحه میانی این گسل‌ها، یعنی دشت اسپران یا فرو افتاده و یا هنگام آپلیفت<sup>۱</sup> شدن منطقه، این بلوک، نسبت به بلوک‌های شمال و جنوب خود بالآمدگی کمتری داشته است و بیانگر وجود هورست و گرابن می‌باشد. از طرفی، گسل‌های منطقه که به طور عمده گسل‌های عادی و فعال هستند و شواهد نوزمین‌ساختی آن‌ها همچون؛ سیستم درزه‌ها، کنیکها، انحنای آبراهه‌ها و... محرز می‌باشد؛ باعث ایجاد نقاط ضعیف در برابر سیستم‌های فرسایشی و تشدید مورفودینامیک منطقه شده، به طوری که بعضی از آنها از جمله بخشی از گسل‌های قارقاداشی و شوردره به محل استقرار آبراهه‌های خطی درآمده است. فرسایش اختلافی نیز باعث نمود و تظاهر هر چه بیشتر گنبد آتشفشانی بهلول داغی شده است به طوری که به دلیل مقاومت اندک مارن با میان‌لایه‌های گچ‌دار و نمک‌دار، پیرامون آن فرسایش یافته است، ولی این توده آذرین به دلیل مقاومت زیاد، کمتر فرسایش یافته و مورفولوژی متفاوت را به وجود آورده است و بر پیرامون خود احاطه و اشراف دارد و این مورفولوژی گنبد بهلول داغی علاوه بر واریزه‌های فراوان دامنه‌ای، منجر به شکل‌گیری شبکه هیدروگرافی شعاعی<sup>۲</sup> در محدوده آن شده است.

نکته آخر اینکه رشد ابرشهر تبریز و ضرورت ایمن‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری حیات شهری، ما را به شناخت و لحاظ نمودن فرم‌ها و فرایندهای محیط پیرامونی آن از جمله قلمرو مورد مطالعه این مقاله ملزم می‌کند.

## منابع

- احمدزاده غلامرضا؛ جهانگیری احمد، مجتهدی، منصور و دیوید لنتز (۱۳۸۹). پتروژنز سنگ‌های آداکیتی پس از تصادم پلیوکواترنری در شمال غرب مرند، مجله بلورشناسی و کانی‌شناسی ایران، سال هجدهم، شماره ۴، صص ۷۰۹-۷۲۲.
- پیرمحمدی‌علیشاه، فرهاد (۱۳۹۰). ژئوشیمی ترکیبات آداکیتی سهند واقع در جنوب تبریز، مجموع مقالات سی‌امین گردهمایی علوم زمین، اسفند ۱۳۹۰، صص ۳۵-۴۳.
- جداری عیوضی، جمشید. (۱۳۷۴). ژئومورفولوژی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ سیزدهم. ۱۰۶ صفحه.
- جلالی، اروج. (۱۳۷۸). هیدرولوژی شهری مورد مطالعه شهر تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی عبدالحمید رجایی‌اصل. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. گروه جغرافیای طبیعی. ص ۸۵.
- حسینی، اعظم. (۱۳۷۵). پتروولوژی توده نفوذی بهلول. پایان‌نامه کارشناسی. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم طبیعی. گروه زمین‌شناسی. ص ۶۳.
- خیام، مقصود (۱۳۷۴) نگرشی بر تنگناهای ژئومورفولوژیک توسعه شهر تبریز، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه تبریز، سال اول، شماره ۱، ص ۳۸.
- درویش‌زاده، علی. (۱۳۸۸). زمین‌شناسی ایران-چینه‌شناسی، تکتونیک، دگرگونی و ماگماتیسیم. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ سوم. ۴۲۴ صفحه.

<sup>۱</sup>-Uplift

<sup>۲</sup>-Radial



رجبی، معصومه؛ شیری طرزم، علی (۱۳۸۸) نئوتکتونیک و آثار ژئومورفولوژیکی گسل اصلی تبریز و گسل‌های فرعی مرتبط با آن، تحقیقات جغرافیایی. پاییز ۱۳۸۸، شماره ۹۴، صص ۶۸-۹۶.

رنجبری، احد. (۱۳۸۲). مطالعه ویژگی‌های ژئومورفولوژیک حوضه آبریز گماناب‌چای (شمال تبریز) زیرحوضه آجی‌چای. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی عبدالحمید رجایی‌اصل. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. گروه جغرافیای طبیعی. ۱۹۰ صفحه.

سازمان زمین‌شناسی (۱۳۷۲). شرح نقشه زمین‌شناسی (۱:۱۰۰۰۰۰)، چهارگوش تبریز.

سفیدگر، آرزو؛ منصور مجتهدی؛ احمد جهانگیری و محسن مؤید (۱۳۸۷) مطالعه کانی‌شناسی و ژئوشیمی توده نفوذی بهلول‌داغی (شمال تبریز) و مقایسه آن با ماگماهای آداکایت، شانزدهمین همایش انجمن بلورشناسی و کانی‌شناسی ایران، رشت، دانشگاه گیلان.

عامل، نصیر (۱۳۷۴) مطالعه و بررسی پترولوژی و پتروژنز سنگ‌های آتشفشانی نوار ولکانیک پلیوکواترنر حاشیه شمالی گسل تبریز، خلاصه مقالات اولین همایش سالانه انجمن زمین‌شناسی ایران، تهران، صص ۲۸۱-۲۸۵.

فریدآزاد، مروت (۱۳۹۴) پترولوژی و پتروژنز سنگ‌های آتشفشانی ائوسن شرف‌آباد (شمال غرب ورزقان، آذربایجان شرقی)، پترولوژی، سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۹۷-۱۲۰.

قربانی، محمدرضا (۱۳۸۴) نقش تفریق ماگمایی و ذوب بخشی پوسته در تکوین سنگ‌های آتشفشانی اسیدی، جنوب دانسفهان، فصل‌نامه علوم زمین، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۱۴-۱۱۹.

قنبری، عبادالله (۱۳۷۰) پدیده‌های نئوتکتونیک و ولکانیسم در پلیو-کواترنر بین میشوداغ و چاله ارس، مجموعه مقالات هفتمین کنگره جغرافیایی ایران، دانشگاه تهران، جلد اول، ص ۵۲.

کرمی، فریبا؛ بیاتی خطیبی، مریم (۱۳۹۳) بررسی گسلش فعال و خطر گسترش شهرها در پیرامون گسل‌های زمین‌لرزه‌ای (مطالعه موردی: حوضه‌های شمال تبریز)، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال بیست و پنجم، پیاپی ۵۵، شماره ۳، صص ۱-۲۰.

مصری علمداری، پریچهر. (۱۳۷۸). مطالعه هیدرومورفولوژی حوضه آبریز نهند با تأکید بر میزان تولید رسوب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. گروه جغرافیای طبیعی. ص ۵۸.

Aghanabati, Ali. (2000), The main sedimentary-structural basins of Iran. Geological Survey of Iran, Tehran (in Persian).

Bourdon, E. & et al, (2008), Adakite-like Lavas from Antisana Volcano (Ecuador): Evidence for Slab Melt Metasomatism Beneath Andean Northern Volcanic Zone, Oxford Journals Science & Mathematics Journal of Petrology Volume 43, Issue 2Pp. 199-217.

Defant, M.J., Drummond, M.S., (1990). Derivation of some modern arc magmas by melting of young sub ducted lithosphere, Nature. 374.662- 665.

Eftekharneshad, J. Behrouzi, A Biref history and Structural Development of Azarbaijan. Geol. Of Iran. Internet Report 8p (1991), p48.

Keskin, M., Pearce, J. A. and Mitchell, J. G. (1998) Volcano-stratigraphy and geochemistry of collision related volcanism on the Erzurum-Kars plateau, northeastern Turkey. Journal of Volcanology and Geothermal Research 85: 355-404.

Kolb. M & et al (2013), Adakite-like and Normal Arc Magmas: Distinct Fractionation Paths in the East Serbian Segment of the Balkan Carpathian Arc, Journal of petrology, Volume 54 number 3 pages 421^451 2013 doi:10.1093/petrology/egs072

Stocklin, J. (1974). Northern Iran, Elborz Mountain, Mesozoic Crnozoic orogenic belt, data for orogenic studies. Geological Society of London, Special Publication, No 4.

Yilmaz, Y. (1990). Comparison of Young Volcanic associations of western and eastern Anatolia formed under a compressional regime: a review.

www.ngdir.ir.

www.ime.org.ir.

## The study of Buhlul Daghi Volcanic Dome and its impact on the morphology of the northern city of Tabriz

Ahad Ranjbari<sup>1</sup>, Aghil Madadi\*<sup>2</sup>

1- PhD Student of Geomorphology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

2- Associate Prof. of Geomorphology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Email: aghil48madadi@yahoo.com

Received: 2016-09-25

Accepted: 2017-04-23

### Abstract

Volcanic cones are important and effective landforms, which have a close relationship with crust structures such as Faults, Folds, etc. "Buhluldaghi" Situated 20km north of Tabriz Based on tectonic units and situated in the Alborz-Azarbaijan subzone. The study area is one of the tectonically active regions with faults, earthquakes, landslides and particularly volcanic effects. Which indicate the susceptibility of this area to natural hazards? One of the requirements to deal with these risks is to identify the forms of the earth surface in order to understand the nature, causes and its geomorphological effects, that can provide the basis for planning a better life for human beings. In this study, the nature, etiology, and the impact of Buhlul Dome on the morphology of Tabriz region was studied using fieldwork and library methods. In this context, the tools such as topography and geology maps, aerial and satellite images as well as experimental data were employed. The findings of the objective observations and library analysis has presented that stretching and compressional motions of the Azerbaijan active tectonic, which is due to convergence of Eurasia and Arabian Continental plates, especially in polio-Quaternary, resulted in deep breaking and intense faulting of the region, and provided the condition for magma exit from weak crust structured points. This dome is induced from fault lines which are drawn parallel to north Tabriz fault. This cone has not only changed the pattern of drainage area by with drawl of Miocene sedimentary layers but also acted as a resource for the production of downstream sediment such as Talus, Allusion, Rock falls, etc. Moreover, this mass consequence in tilting of horizontal sedimentary layers and their tending towards summits of the dome, which led to fragmentation and weak surface production against erosion systems and acceleration of the morphodynamic of the region.

**Keywords:** Volcanic Dome, Buhlul Daghi, Natural hazards, Geomorphological effects, North Tabriz fault